

فصل پانزدهم

قضاوت

مشروعیت قضاوت:

قضاوت به دلیل قرآن، سنت و اجماع امت مشروع است :

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ أَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ) (مائده : 49)

«و در میان آنان طبق چیزی حکم کن که خدا بر تو نازل کرده است».

و می‌فرماید :

(يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ)

(ص : 26)

«ای داود ما تو را در سرزمین به عنوان خلیفه قرار دادیم (تا قوانین خدا را اجرا کنی) پس در میان مردم به حق قضاوت کن».

از عمرو بن عاص روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود :

(إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ، وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ) [1465]

«هرگاه حاکم از روی اجتهاد حکمی را صادر کند و حکمش مطابق حق شود، دو اجرا دارد و اگر از روی اجتهاد حکمی را صادر کند و دچار اشتباه شود یک اجرا دارد».

همچنین مسلمانان بر مشروعیت قضاوت اجماع کرده‌اند.

فهرست

حکم قضاوت:

قضاوت فرض کفایه است و بر امام واجب است که بر حسب نیاز در هر منطقه‌ای کسانی را بعنوان قاضی تعیین کند تا میان مردم قضاوت نمایند، چون پیامبر r میان مردم

قضاوت می‌کرد، و علی را برای قضاوت به یمن فرستاد و خلفای راشدین هم در زمان خلافتشان، قضاوت را در سرزمین‌های مختلف بر عهده گرفتند. [1466]

فضیلت قضاوت:

از عبدالله بن مسعود روایت است که پیامبر r فرمود: (لا حسد إلا فی اثنتین، رجل آتاه الله مالا فسلطه علی هلکته فی الحق، و رجل آتاه الله حکمة فهو یقضی بها و یعلمها) [1467] «حسادت جایز نیست مگر در دو مورد: مردی که خدا به او مالی داده و او را در مصرف کردن آن در راه حق مسلط کرده، و مردی که خدا حکمتی به او داده، با آن قضاوت می‌کند و آنرا به دیگران آموزش می‌دهد».

خطیر بودن پست قضاوت:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: (من جعل قاضیا بین الناس فقد ذبح بغیر سکین) [1468] «کسی که به عنوان قاضی در میان مردم تعیین شد، گویا بدون کارد ذبح شده است».

و از ابوبریده روایت است که پیامبر r فرمود: (القضاة ثلاثة: اثنان فی النار، و واحد فی الجنة: رجل علم الحق ففقی به فهو فی الجنة، و رجل قضی للناس علی جهل فهو فی النار، و رجل جار فی الحكم فهو فی النار) [1469] «قضاوت سه دسته هستند: دو دسته آنان در آتش جهنم و یک دسته در بهشت‌اند، مردی که حق را می‌داند و به آن قضاوت می‌کند در بهشت است، مردی است از روی جهل بین مردم قضاوت می‌کند، در آتش است، و نیز مردی که در قضاوت ظلم می‌کند، در آتش جهنم است».

فهرست

نهی از درخواست قضاوت:

از عبدالرحمن بن سمره روایت است که پیامبر r به من فرمود: (یا عبدالرحمن لاتسأل الإمارة، فإنک إن أعطيتها عن مائة وکلت إليها، و إن أعطيتها عن غیر مسألة أعنت علیها) [1470] «ای عبدالرحمن! درخواست امارت مکن، چون اگر قضاوت به درخواستت به تو واگذار شود، خداوند تو را به حال خودت رها می‌کند، ولی اگر بدون درخواست به تو واگذار شود، خداوند در امر قضاوت تو را یاری می‌کند».

چه وقتی مرد برای قضاوت شایستگی پیدا می‌کند؟

حافظ(ره) در (فتح الباری) (13/146) گوید:

«ابوعلی کرابیسی یار شافعی در کتاب خود (آداب القضاء) گوید: تا جایی که من می‌دانم هیچ اختلافی بین علمای سلف نیست که شایسته‌ترین فرد به قضاوت در میان

مسلمانان کسی است که : فضیلت، راستگویی، علم و ورعش آشکار، قاری کتاب خدا و عالم به اکثر احکام آن باشد، از سنت پیامبر r آگاه بوده و اکثر آن را از حفظ داشته باشد، از اقوال صحابه و محل اتفاق و اختلاف و اقوال فقهای تابعین آگاهی داشته باشد، صحیح را از غیر صحیح تشخیص داده و در مسائل جدید با کتاب خدا عمل کند، اگر در آن نیافت از سنت نبوی پیروی کند و اگر در آنهم نیافت به آنچه اصحاب بر آن اتفاق کرده‌اند عمل نماید و اگر دید اصحاب در آن مسئله اختلاف کرده‌اند به قولی عمل کند که به قرآن نزدیکتر است، سپس به سنت، سپس به فتوای بزرگان اصحاب، و علاوه بر فضیلت و تقوا با اهل علم بسیار گفتگو و مشورت کند و زبانش را از منکر و شکمش را از حرام حفظ کند، پاکدامن باشد، سخن طرفین دعوی را بفهمد، عاقل باشد و پیرو و هوسی و هوس نباشد. در ادامه (کرابیسی) گوید : هر چند می‌دانیم در روی زمین افرادی که تمام این صفات را داشته باند کم‌اند اما باید در هر زمان کامل‌ترین و بهترین اشخاص برای قضاوت انتخاب شوند».

زنان نباید منصب قضاوت را به عهده بگیرند

از ابوبکره روایت است : وقتی که خبر به پیامبر r رسید که فارس دختر کسیری را به پادشاهی برگزیده‌اند فرمود : **(لن یفلح قوم ولوا أمرهم امرأة)** [1471] «قومی که سرپرستی خود را به زنی واگذار کنند، هرگز رستگار نمی‌شوند».

فهرست

آداب قاضی:

بر قاضی واجب است که بین طرفین دعوی در نگاه کردن و سخن و نشست و برخاستن و مراجعه عدالت را رعایت کند: [1472]

از ابوملیح هذلی روایت است : عمر بن خطاب در نامه‌ای به ابوموسی اشعری نوشت: **(أما بعد : فإن القضاء فریضة محكمة، و سنة متبعة، فافهم إذا أدی إليك، فإنه لا ینفع تکلم بحق لانیفاد له، و اس بین الناس فی وجهک، و مجلسک، و عدلک، و لا یطمع شریف فی حیفة)** [1473] «اما بعد : قضاوت فریضه‌ای بسیار سنگین، و سنتی تبعیت شده است. پس هرگاه به تو واگذار شد بدان! سخن حقی که با قاطعیت نباشد سودی ندارد، و در نگاه، نشست و برخاست و عدالتت بین مردم به برابری رفتار کن و کاری نکن که انسان صاحب منصبی به جلب کردن تو طمع بورزد».

حرام است قاضی رشوه و هدیه بگیرد:

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر r فرمود : **(لعنة الله علی الراشی و المرتشی)** [1474] «لعن خدا بر رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده باد».

از ابوحمید ساعدی روایت است که پیامبر r فرمود: (هدایا العمال غلول) [1475] «گرفتن هدیه توسط کارگزاران (و قضات) خیانت است».

صَدُورِ حَکْمِ تَوْسُطِ قَاضِيٍ دَرِ حَالِ عَصَبَانِيَةٍ، حَرَامٌ اسْت:

از عبدالملک بن عمیر روایت است: از عبدالرحمن بن ابی بکره شنیدم که می‌گفت: ابوبکره در نامه‌ای به پسرش که در سجستان بود نوشت: در حال عصبانیت بین دو نفر قضاوت نکن، چون از پیامبر r شنیده‌ام که می‌فرمود: (لَا يَقْضِيَنَّ حَكْمَ بَيْنِ اثْنَيْنِ وَ هُوَ غَضَبَانٌ) [1476] «هیچ قاضی‌ای در حال عصبانیت بین دو نفر قضاوت نکند».

فهرست

قضاوت قاضی حقی را تغییر نمی‌دهد:

کسی که در قضاوت حقی از برادرش به او داده شد، آن را نگیرد؛ چون قضاوت قاضی هیچ حرامی را حلال و حلالی را حرام نمی‌کند:

از ام سلمه همسر پیامبر r روایت است: پیامبر r صدای دعوایی را در کنار خانه‌اش شنید، به طرف دعوی‌کنندگان رفت و فرمود: (إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ، وَإِنَّهُ يَأْتِيَنَّكَ الْخَصْمُ فَلَعَلَّ بَعْضَ مَنْ يُبَلِّغُكَ مِنْ بَعْضٍ، فَأَحْسَبُ أَنَّهُ صَادِقٌ، فَأَقْضِيْ لَهُ بِذَلِكَ، فَمَنْ قَضَيْتَ لَهُ مِنْ حَقِّ مُسْلِمٍ فِئْتَانًا مِنْ قِطْعَةٍ مِنَ النَّارِ، فَلْيَأْخُذْهَا أَوْ لِيُتْرَكْهَا) [1477] «همانا من یک انسان هستم و طرفین دعوی نزد من می‌آیند، و شاید بعضی از شما سخنورتر از دیگری باشد، و در نتیجه من او را صادق بدانم و بر اساس گفته‌هایش به نفع او حکم کنم، و حق دیگری (مسلمانی) را به او بدهم، (باید بداند که) این برای او قطعه‌ای از آتش است، می‌خواهد آن را بگیرد یا نگیرد».

دعای و بینات (دادخواست‌ها و بینه‌ها):

دعای جمع دعوی و در لغت به معنی طلب و دادخواست است: خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَكُمْ فِيهَا مَاتَدَّعُونَ) (فصلت: 31)

«آنچه می‌خواهید در آنجا برای شما هست».

و در اصطلاح شرع عبارت است از اینکه کسی خود را مستحق چیزی بداند که نزد شخصی دیگر و یا به عهده او است.

مدعی: کسی است که ادعای حقی را می‌کند و هرگاه دست از مطالبه بردارد، رها می‌شود.

مدعی علیه : کسی است که حقی از او مطالبه شود و هرگاه ساکت بماند، به حال خود رها نمی‌شود. [1478] (بلکه باید سوگند بخورد).

بینات : جمع بینه و به معنی نشانه است مانند شاهد و مثل آن.

اصل در مشروعیت دعوی و بینه، حدیث ابن عباس از پیامبر r است که فرمود : (لو يعطى الناس بدعواهم، ادعى ناس دماء رجال و أموالهم، ولكن اليمين على المدعى عليه) [1479] «اگر هر آنچه مردم ادعا کنند، به آنها داده شود افرادی ادعای خون و اموال مردم را خواهند نمود، لیکن سوگند بر مدعی علیه است».

از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت است که پیامبر r فرمود : (البينة على المدعى، واليمين على المدعى عليه) [1480] «بینه بر مدعی و سوگند بر مدعی علیه است».

فهرست

گناه کسی که ادعای چیزی کند که از او نیست:

از ابوذر روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود :

(من ادعى ما ليس له فليس منا، و ليتبوا مقعده من النار) [1481] «هرکس ادعای چیزی را کند که به او تعلق ندارد از ما نیست و باید جایگاهش را در جهنم آماده کند».

گناه کسی که با سوگند دروغ می‌خواهد مالی را بدست آورد:

از عبدالله بن مسعود روایت است که پیامبر r فرمود : (من حلف على يمين و هو فيها فاجر يقطع بها مال امرى مسلم، لقي الله و هو عليه غضبان) [1482] «هرکس سوگندی دروغین بخورد تا با آن مال مسلمانی را تصاحب کند، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که بر او خشمگین است».

از ابوامامه حارثی روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود : (لا يقطع رجل حق امرى مسلم بيمينه، إلا حرم الله عليه الجنة و أوجب له النار) «هرکس با سوگندش حق انسان مسلمانی را بگیرد حتماً خداوند بهشت را بر او حرام و آتش جهنم را بر او واجب می‌کند» مردی پرسید ای رسول خدا! هر چند چیز کم‌ارزشی باشد؟ پیامبر فرمود : (و إن كان سواكا من أراك) [1483] «اگرچه سواکی از درخت اراک هم باشد».

فهرست

راههای اثبات ادعا:

راههای اثبات ادعا عبارتند از : اقرار، شهادت و سوگند. [1484]

اقرار:

اقرار یعنی اعتراف به حق، و حکم به آن در صورتیکه اقرار کننده مکلف و مختار باشد واجب است. [1485]

پیامبر ۲ معز وزن غامدیه و جهنیه را با اقرار خودشان رجم کرد.

و فرمود: (واغدا یا انیس الی امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها) [1486] «ای انیس فردا نزد زن آن مرد برو، اگر (به زنا) اقرار کرد او را رجم کن».

شهادت:

حضور شخص برای شهادت در مورد حقوق انسانها فرض کفایه است، به دلیل فرموده خداوند متعال:

(وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا) (بقره: 282)

«و چون شاهدان را برای شهادت خوانند، باید از این کار خودداری نورزند».

اما ادای شهادت فرض عین است، به دلیل فرموده خداوند متعال:

(وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ) (بقره: 283)

«و شهادت را پنهان نکنید و هر کس آنرا پنهان دارد قلبش گناه کار است».

بر شاهد واجب است که حق را بگوید هر چند به زیانش باشد، به دلیل فرموده خداوند متعال:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) (نساء: 135)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید و به خاطر خدا شهادت دهید هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد، اگر کسی که به زیان او شهادت داده می‌شود دارا یا نادر باشد (شما را از ادای شهادت حق منصرف نکند) چراکه (رضای) خداوند از (رضای) هر دوی آنها بهتر است، پس از هوا و هوس پیروی نکنید که منحرف می‌گردید، و اگر زبان از ادای شهادت حق بیچانید یا از آن روی بگردانید، خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است».

شهادت بدون آگاهی حرام است، به دلیل فرموده خداوند متعال:

(إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (زخرف : 86)

«مگر کسانی که آگاهانه بر حق شهادت و گواهی داده باشند».

شهادت دروغ از بزرگترین گناهان کبیره است : به دلیل حدیث ابوبکره از پیامبر r که فرمود : (أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكِبَائِرِ؟) «آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره با خبر نکنم؟» گفتیم بله ای رسول خدا! فرمود : (الإشْرَاكُ بِاللَّهِ وَ عَقُوقُ الْوَالِدَيْنِ) «شریک قرار دادن برای خدا و نافرمانی والدین» و در حالی که تکیه داده بود نشست و فرمود : (أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ، وَ شَهَادَةُ الزُّورِ) «آگاه باشید که سخن دروغ و شهادت به ناحق از بزرگترین گناهان کبیره هستند» پیامبر r پیوسته این جمله را تکرار می‌کرد، تا اینکه گفتیم ای کاش دیگر این جمله را تکرار نکنند».^[1487]

فهرست

شهادت چه کسانی پذیرفته می‌شود؟

شهادت تنها از مسلمان بالغ، عاقل و عادل پذیرفته می‌شود.

بنابر این شهادت کافر قبول نمی‌شود هر چند بر کافری دیگر شهادت دهد، به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَأَشْهِدُوا ذُؤَىٰ عَدَلٍ مِّنْكُمْ) (طلاق : 2)

«و دو نفر عادل از خودتان را به شهادت گیرید».

و می‌فرماید :

(مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ) (بقره : 282)

«از میان کسانی شاهد بگیرید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند».

«درحالی‌که شخص کافر، عادل نیست، و مورد رضایت نیست، و از ما هم نیست».^[1488]

شهادت کودک مورد قبول نیست، به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ) (بقره : 282)

«او دو نفر از مردان خود را به شهادت گیرید».

و کودک جزو مردان نیست.

شهادت شخص کم عقل، دیوانه و امثال آنها پذیرفته نمی‌شود؛ چون سخن آنان در حق خودشان قبول نمی‌شود، پس در حق دیگران بطریق اولی قابل قبول نیست.

شهادت فاسق قابل قبول نیست به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَأَشْهَدُوا دَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ) (طلاق : 2)

«و دو نفر عادل از خودتان را به شهادت گیرید».

و به دلیل فرموده پیامبر r : **(لا تجوز شهادة خائن و لا خائنة، ولا زان و لا زانية، و لا ذی غمر علی اخیه)** [1489] «شهادت مرد وزن خائن و زناکار جایز نیست، و همچنین شهادت شخصی که نسبت به برادرش کینه دارد، جایز نیست».

فهرست

چند شاهد کافی است؟

حقوق دو نوعند : حقوقی که متعلق به خداوند متعال است و حقوقی که متعلق به انسانها است: [1490]

حقوق انسانها سه نوع اند :

1- حقوقی که در آنها کمتر از شهادت دو مرد مورد قبول نیست : و آن در مواردی است که نفعی مالی در آن نباشد، و به مردان مربوط است، مانند ازدواج و طلاق :

خداوند متعال می‌فرماید :

(فَإِذَا بَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ۖ وَأَشْهَدُوا دَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ) (طلاق : 2)

«و هنگامی که مدت عده آنان نزدیک به پایان آمد، یا از ایشان را به طرز شایسته‌ای نگاه دارید و یا بطرز شایسته‌ای از ایشان جدا شوید و بر آنان دو مرد عادل از میان خودتان را به شهادت گیرید».

و پیامبر r می‌فرماید : **(لا نکاح إلا بولی و شاهدی عدل)** [1491] «نکاح صحیح نیست مگر با حضور ولی و دو شاهد عادل» همانطور که ملاحظه می‌شود در آیه و حدیث شاهد به لفظ مذکر آمده است.

2- حقوقی که در آن شهادت دو مرد، یا یک مرد و دو زن، یا شهادت یک مرد و سوگند مدعی پذیرفته می‌شود : و آن حقوقی است که مال در آن هدف است مانند خرید و فروش، اجاره، رهن و امثال اینها، خداوند متعال می‌فرماید :

(وَاسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى) (بقره : 282)

«و دو نفر از مردان خود را به شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از میان کسانی شاهد بگیرید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند تا اگر یکی (از آنان) فراموش کرد دیگری به او یادآوری کند».

از ابن عباس روایت است : (أن رسول الله ﷺ قضى باليمين مع الشاهد) [1492] «پیامبر r با سوگند و یک شاهد (به نفع مدعی) قضاوت کرد».

3- حقوقی که در آن شهادت دو مرد، یا یک مرد و دو زن، یا چهار زن قابل قبول است، و این حقوقی است که عموماً مردان از آن آگاهی ندارند؛ مانند : شیر دادن، ولادت، و عیبهای داخلی زنان.

اما در حقوق خداوند متعال شهادت زنان مورد قبول قرار نمی‌گیرد؛ زهری گوید : (لايجلد فى شى من الحدود إلا بشهادة رجلين) «در هیچ حدی تازیانه زده نمی‌شود مگر با شهادت دو مرد».

حقوق خداوند متعال سه نوع اند :

1- حقوقی که در آن شهادت کمتر از چهار مرد پذیرفته نمی‌شود، مانند زنا :

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلُدُوهُم ثَمَانِينَ جَلْدَةً) (نور : 4)

«و کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند؛ سپس چهار شاهد نمی‌آورند؛ به آنان هشتاد تازیانه بزنید».

2- حقوقی که در آن شهادت دو مرد کفایت می‌کند، و بجز زنا سایر حقوق خدا از این قبیل هستند. همانطوریکه در سخن زهری قبلاً بیان شد.

3- حقوقی که یک شاهد در آن معتبر است، مانند رؤیت هلال ماه رمضان. [1493]

سوگند:

هرگاه مدعی از آوردن دلیل ناتوان شود و مدعی علیه ادعای او را انکار کند هیچ حقی برای مدعی نیست بجز سوگند مدعی علیه؛ به دلیل فرموده پیامبر r : (البينة على المدعى واليمين على المدعى عليه) [1494] «بینه بر مدعی و سوگند بر مدعی علیه است».

از اشعث بن قیس کندی روایت است : بین من و مردی بر سر چاهی خصومتی روی داد، دعوای خود را نزد پیامبر^۲ بردیم. پیامبر^۲ فرمود : (شاهدک أو یمینہ) «دو شاهدت را بیاور یا (طرف دعوایت باید) سوگند بخورد، گفتم : او بی پروا سوگند می خورد. پیامبر^۲ فرمود : (من حلف علی یمین یستحق بها مالا، و هو فیها فاجر، لقی الله و هو علیه غضبان) «کسی که سوگند دروغین بخورد تا با آن مالی را بدست آورد روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می کند که بر او خشمگین است» خداوند فرموده او را تصدیق کرد و سپس پیامبر^۲ این آیه را خواند : (إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا - إِلَى - وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ^[1495]) «کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای کمی بفروشدند - تا - آنان عذاب دردناکی دارند.»

فهرست